

# در حاشیه رویدادها

## جائی که چماق پر بویزد...

**ج**نین که بیداست حکومت منسوب به الله، که گفته میشود عمر - دست کم - چندین و چند هزار ساله خواهد داشت، به احتمال نزدیک به یقین از فتنای بیرون نمیاید - حتی اگر پروردگار به پدر بی شکر آن عمر ۱۲۰ ساله رساند کند و با رئیس جمهور "منتخب مردم" بتواند قارق از "برشزاری آرامش" حکمه از پای در آورد.

جن دومین سالگرد انقلاب به سرقت رفتهای مردم ایران در شمال و جنوب و بالا و پائین کشور با شمع هائی چوبین برگزا شد. اگر چه "گویندگان و نویسندگان" بی وقفه نصیحت میدند که چماق زبان و قلم کم از دیگر انواع چماق نیست. اما شدت اختلافات از آن حد کسه فتوا بتواند کارساز باشد گذشته است. (از سوی دیگر، وزیر کشور با تاسف تمام اعتراف میکند که جلوی انتشارات زیرزمینی را نمی - توان گرفت چون حتی شاه هم نتوانست این کار را نکند.) از این ها گذشته، رژیم اسلامی با این واقعیت آزار دهنده روبروست که حتی با وجود حمایت نیروهای عیسوی، اگر افکسار عمومی از حکومتی پشتیبانی نکند، بران دولت - چه مکتبی یا متخصر - امید نجاشی نیست.

بدرنگ در پی برخوردهای دانشگاه، امید مستضعفان جهان به خلوت رفت. حتی اگر بیماری ایشان شدت نمی گرفت، فاعداً برای یافتن راه گشایشی در این بحران ایمان سوز، باید فخت شبانه روز سراز سجده برنمی داشت تا شاید حاملان وحی به کمک ولی فقیه بشتابند و راهی پیش پای باند سران قوم بگذارند. اکنون، هیات سه نفری منصوب آیت الله خمینی، رئیس جمهوری و "طرف دیگر"، عالی ترین مرجع حکمیت شده است. اگر این هیئت از پس حل اختلافات میان جناحهای خاکسترم برونیايد، احتمالاً هیئتی دیگر مامور بازرسی عملکرد هیات اول خواهد شد. به این ترتیب، مسلسل هیات های "میتاق وحدت"، حل اختلاف، حکمیت در حل اختلاف، نظارت بر حکمیت و گزارش از هیات ناظر بر حکمیت تا صبح ثیامت ادامه یابد. اما اصل مهم اینست که از تمام این سوالات خبری به بیرون درز نکند: سخنرانی

تا پایان جنگ (کدام جنگ؟) ممنوع، روزنامه ها (یا در واقع چیزی که از مطبوعات باقی مانده) ساکت و گوش بفرمان، چرا که غلام ترکس مستت جماعت را نند...

هولای زمینگیر رژیم الهی، البته نیازی به اجرای قوانین شری ندارد. اما اگر بر با کردن دکور محکمی عدالت بتواند "جو را عوض کند، این کار مباح است: به عنوان آتروکسیون شپ سال نو، قرار است عباس امینر انتظام (یا "یاکترین" یار آقای بازرگان) را در قفس به میدان بیاورند و در حاشی دیگر به "شکایاتی" که از مطبوعات برسد، خارج از نوبت رسیدگی شود.

شود تمام مصائبی که بر رژیم اسلامی باریدن گرفته، شکستی بود که گریبانگیر جماعتداری شد. اگر چه همهی ابزار تبلیغاتی در این جهت بکار انداخته شده بود که جماعتداران، مقربان درگاه احدیت و مستمعی واقعی اند، اما چمان چه از درخس طوبی چه از زقوم، بناچار روزی از ظراوت می افتند. رژیم اسلامی، که تکیه گاههای اصلی اش جر الله و چماق نیست، در حالی که انکار عنایت خداوندی از آن دریغ میشود و درخت سابقا سر سبز چماق از شادابی افتاده، باید در پی راههای دیگری برای کسب مشروعیت باشد. هیات هائیی که چندی پیش به اکناف جهان و از جمله کشورهای قدرتمند گسیل شدند، به احتمال زیاد در این فکر بوده اند.



**هفته نامه**  
**رهائی**  
نشریه  
سازمان وحدت کمونیستی

## یکباردیگر "ماشین زمان"

م اجرای دستگیری و محاکمه در ریادار علوی، دستیار مدنی جلاد و دوست مورد اعتماد مستشاران نظامی امریکا، از چنان پیچیدگی محیرالعقولی برخوردار بود که روی خاطرات "استاد بنی صدر" و ماشین زمان را سفید میکند.  
به گفته آزادگان، ۱۱ اسفند ۱۳۵۸:

"عصر پنج شنبه (۹ اسفند ۱۳۵۸) دانشجو یان مسلمان پیرو خط امام استناد خیانت در ریادار علوی در جاسوخانه‌ی امریکا را فاش کردند."

- اما جمهوری اسلامی ۱۳ خرداد ۱۳۵۹ ادعا میکند که:

"علوی... بدنبال این افشاکری در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۵۸ دستگیر و زندانی شده بود."

- همین روزنامه اضافه میکند که:

"اولین جلسه محاکمه‌ی (علوی) دپروز (۱۲ خرداد ۱۳۵۹) برگزار شد."

- سپس جمهوری اسلامی ۱۴ خرداد ۱۳۵۹ گزارش میدهد که:

"دومین جلسه محاکمه‌ی علوی ساعت ۱۰ صبح سه شنبه ۱۴ خرداد آغاز شد."

- اما جمهوری اسلامی در روز بعد خبری از ادامه محاکمه منتشر نمیکند، تا اینکه، در اطلاعات، ۲۳ بهمن ۱۳۵۹، علی قدوسی، دادستان کل انقلاب میگوید:

"محاکمه‌ی ایشان (علوی) بزودی آغاز خواهد شد!!"

- و بالاخره دو هفته بعد در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۵۹، با کمال تعجب در کیهان میخوانیم که:

"محاکمه‌ی در ریادار علوی... از تاریخ ۲۹ آذرماه تا ۲۱ دیماه (( ۱۳۵۹ ))، برگزار شده بود!!"

## نبوی نامه!

ب هزاد نبوی بدون شک از بزرگترین "دستاوردهای رژیم جمهوری اسلامی است! اگر او و رجایی تا این حد گرفتار رتق و فتق امور "امت اسلام" نبودند و میتوانستند نمایش دو نفری خود را با آسودگی خیال اجرا

کنند، قطعاً دست بهترین "شومن‌ها" را از پشت میبستند! "مهارت" نبوی را در تشییع جنازه‌ی "مسالهی مرده"ی گروگانها دیدیم، و رجایی "هنر" خود را در عرصه‌های گوناگون، از سازمان ملل متحد تا تشریح "عادت غیر اسلامی عرضه و تقاضا" نشان داده است. آنچه در زیر میآید نمونه‌ای از تازه‌ترین هنرنمایی‌های "برادر" نبوی است:

آقای نبوی که همین چند وقت پیش "یک هفته... مسالهی گرانی را بطور جدی پیگیری کرده بود (انقلاب اسلامی ۵ اسفند)، در مصاحبه‌ای با جمهوری اسلامی ۲۰ اسفند به مسالهی احتکار میپردازد و میگوید:

"در موارد زیادی فروشندگان خرده‌پا تقصیری ندارند، عمدتاً واسطه‌ها و محترکین هستند که قیمت‌ها را بالا میبرند یا بازار سیاه کاذب درست میکنند (پس "بازار سیاه واقعی" اشکالی ندارد؟) ما حالا میدانیم که ۳۷ هزار تومان (قاعدتا ۳۷۰۰۰۰ تن باید باشد) بخش خصوصی سیب دارد در انبارها، توی انبارهای دولتی هم هست."

افراد "مادی گرا و حریص" حتماً فوری میگویند: این "بخش خصوصی" همان "محترکان و واسطه‌ها" هستند، پس باید انبارها را باز کرد و سیبهای احتکار شده را در اختیار زحمتکشان قرار داد اما آقای نبوی که از "اخلاق اسلامی" و "حسوی" "لوطی گری" برخوردار است نظر دیگری دارد: "البته ما خودمان دست‌نمیزنیم تا که بیبینیم اینها کی سر غیرت میآیند و بین مردم توزیع میکنند."!!

برای آنهایی که روش "غیرتی" حل مسالهی احتکار و گرانی را قبول ندارند، آقای نبوی توضیح دیگری هم دارد:

"خودمان هم چرا دست‌نمیزنیم) چون بالاخره سردخانه‌ی دولتی محل اعتمادی بوده که جنس را آورده‌اند در آنجا گذاشته‌اند و اگر اینکار را بکنیم در واقع لطمه به اعتماد دولتی در زمینه حفظ کالاهای مردم خواهد خورد."

حتماً دیگر موضوع را فهمیده‌اید. نه "واسطه" ای در کار بوده و نه "محترک"ی! مردم مقداری سیب در سردخانه‌های دولت "مردمی" و "مورد اعتماد" شان امانت گذاشته‌اند، و بالاخره یکروز هم از کل روی آقای نبوی خجالت میکشند، "غیرتی" میشوند و سیبها را "بین مردم" یعنی خودشان، توزیع میکنند. از این گذشته، در "این برهه از زمان" توقع سیب‌ارزان داشتن هم فقط از "ضد انقلاب" برمیآید و بس!

